



مروزی بر مهم‌ترین نام‌های سوره فاتحة‌الکتاب و علت نام‌گذاری‌ها

آیت‌الله احمد عابدی در تفسیر سوره فاتحة‌الکتاب بر اساس تفسیر مجمع‌البیان به ارائه توضیحاتی در زمینه نام‌های این سوره، علل این نام‌گذاری و فضیلت این سوره پرداخت.

آیت‌الله احمد عابدی در تفسیر سوره فاتحة‌الکتاب بر اساس تفسیر مجمع‌البیان به ارائه توضیحاتی در زمینه نام‌های این سوره، علل این نام‌گذاری و فضیلت این سوره پرداخت.

به گزارش ایکن؛ در کانال تلگرامی آیت‌الله احمد عابدی، از اساتید سطوح عالی حوزه علمیه، صوت دومین جلسه از درس تفسیر ایشان که مربوط به تفسیر سوره حمد بر اساس تفسیر مجمع‌البیان است، منتشر شد. در ادامه متن آن را می‌خوانید؛

اولین بحث مجمع‌البیان در مورد اسامی سوره فاتحه است. در تفسیر آلوسی، حدود ۲۵ اسم برای این سوره بیان کرده است، اما مجمع‌البیان تقریباً ۱۰ مورد را ذکر می‌کند. یکی دیگر از اسامی «السبع» است. علتش نیز این است که این سوره هفت آیه است و هیچ اختلافی در این نیست که عدد آیه‌های این سوره هفت آیه است. اما در اینکه آیاتش هفت آیه باشد، اختلاف است. می‌گوییم این سوره هفت آیه است در اینکه کدام بخش‌هایی این سوره یک یا دو آیه باشند اختلافی است.

یکی دیگر از نام‌ها «المثانی» است و دلیلش این است که قرائت آن در هر نماز واجب و مستحب تکرار می‌شود. شیعیان در هر نماز واجب و مستحب دو بار سوره حمد را می‌خوانند. اهل سنت اما به تعداد رکعات می‌خوانند. همچنین گفته شده علتش، دو بار نازل شدن آن است که یکبار در مکه و یکبار در مدینه بوده است. در ادامه می‌گویم اینها اسماء مشهور سوره حمد است. اما در این زمینه اسماء دیگری نیز ذکر شده است. یکی از آنها «الوافیه» است، به این دلیل که این سوره در نماز تقسیم نمی‌شود. اهل سنت در هر رکعتی سوره حمد و بعضی یک سوره دیگر را می‌خوانند. شیعیان نیز می‌گویند در نمازهای مستحبی جایز است، اما آنجا که بعضی یک سوره مطرح می‌شود، اگر کسی بخواهد سوره حمد را بخواند، یعنی سوره حمد را بخواند و به جای سوره ای دیگر باز هم حمد را بخواند، جایز نیست و نباید سوره حمد را نصف کند.

فاتحة‌الکتاب عوض دیگر سوره‌ها است

همچنین به آن «کافیه» می‌گویند، به این دلیل که از سوره‌های دیگر کفایت می‌کند، اما سوره‌های دیگر از این سوره کفایت نمی‌کنند. شما می‌توانید حمد را در نماز بخوانید و به جای سوره توحید، مجدد یک حمد دیگر را بخوانید و حمد کفایت آن را می‌کند، اما نمی‌توانید دو تا توحید به جای حمد بخوانید. بنابراین این سوره از هر سوره ای کفایت می‌کند و چیزی از آن کفایت نمی‌کند. موبدش حدیثی است که عبادۀ از پیامبر(ص) نقل کرده است که فرمود: ام القرآن یعنی سوره فاتحه عوض بقیه هست، اما بقیه عوض این سوره محسوب نمی‌شوند. یعنی می‌شود که شما فاتحه را به جای دیگر سور بخوانید، اما آن سوره‌ها به جای فاتحه نیست.

نام دیگر این سوره «الاساس» است و علتش نیز حدیثی از ابن عباس است که گفت هر چیزی اساسی دارد و اساس قرآن سوره فاتحه است و اساس فاتحه نیز بسم الله الرحمن الرحیم است. نام دیگر این سوره «الشفاء» است، چه اینکه از رسول خدا(ص) نقل شده که فاتحة‌الکتاب دواي هر دردی است. به فاتحه، «صلاة» هم می‌گویند و در این زمینه از پیامبر(ص) روایت شده است که فرمود خداوند می‌گوید نماز را بین خودم و عبد خودم تقسیم کردم، زمانی که بنده بگوید «الحمد لله»، خدا می‌گوید عبد من، من را ستایش کرده است و زمانی که بگوید «الرحمن الرحیم»، خداوند می‌گوید بنده من شای من را گفت، وقتی بگوید «مالک يوم الدين»، خداوند می‌گوید عبد من، من را تمجید کرد. اگر بگوید «ایاک نعبد و ایاک نستعین»، خداوند می‌گوید نیمی از آن برای من بود و نیمی از آن برای عبدم و عبد من هم هرچه بخواهد به او می‌دهم. وقتی عبد سوال کند و بگوید «اهدنا الصراط المستقیم»، خداوند می‌گوید این برای عبد من است و هرچه هم سوال کند به او داده می‌شود. این حدیث را مسلم در صحیح خود نقل کرده است.

سوره حمد بین خدا و بنده اش تقسیم شده است

به سوره حمد «صلاة» می‌گویند و حدیث شاهد آن نیز حدیث قدسی بود که گفت «قسمت الصلاة بینی و بین عبدی» و نگفت که «قسمت الفاتحة بینی و بین عبدی»، در حالی که بحث در مورد این بود که اسم فاتحة چیست، نه اینکه

اسم «صلاة» چه باشد. چون حدیث فقط سوره حمد را گفته است که تا «ایاک نعبد» در مورد خداوند است و از «ایاک نستعین تا و لا الضالین»، در مورد انسان است و حدیث نیز به همین ختم شد و بحثی از رکوع و سجود در آن نیست. به این قرینه حالیه می شود فهمید که کلمه «صلاة» به معنای فاتحه بوده است.

نکته دیگر نیز اینکه صحیح بخاری بحث تفسیر قرآن دارد و صحیح مسلم ابن حجاج نیشابوری تفسیر قرآن ندارد. لذا اصلاً کتاب تفسیری در آن نیست و صاحب مجمع این حدیث را از مسلم نقل کرده است، اما از صلاة آنجا نقل کرده است و نه تفسیر آن. نکته دیگر اینکه سنی های منطقه ما مانند عربستان و افغانستان صحیح بخاری را مهم می دانند، اما سنی های غرب دنیای اسلام مانند مصر به صحیح مسلم بهای بیشتری می دهند.

در اینجا این حدیث را از مسلم نقل کرده است که ایشان گفته «فی الصحیح»، اما قدیمی ها نمی گفتند فی الصحیح، بلکه می گفتند فی الجامع. الان اسم این دو کتاب به صحیح بخاری و صحیح مسلم تبدیل شده است، اما درستش جامع بخاری و جامع مسلم بوده است و این دو نفر نیز نگفته اند که کتابی به اسم صحیح نوشته ام.

در ادامه به فضیلت سوره حمد می رسیم. در بالا «اسماءها» بود و بعد «فضلها» را دارد. اگر کسی بگوید فضلها چیست چه باید بگوییم؟ در کفایه بحثی بود که می گفت مثلاً من می گویم این چیز را بگیر که فعل و فاعل معلوم است، اما مفعولش چیست؟ بعضی اوقات ما مفعول، مبتدا یا خبر را با عمل خودش مطرح می کنیم. مثلاً وقتی می گویم «فضلها»، یعنی مبتدا است، اما خبرش چند سطر است که در ادامه می آید. مراد از مقری چیست؟

یک بحث دیگر در مورد عبارت مقری است که در نقل های صاحب مجمع با این کلمه رو به رو می شویم. مرحوم علامه عسکری می گفت اگر کسی به من بگوید بزرگ ترین ابتکار شما در عمرت چیست، می گویم اینکه معنای این کلمه مقری را فهمیدم. امروزه قاری یعنی کسی که قرآن تلاوت می کند و در روایات داریم که پیامبر(ص) افرادی را به عنوان قاری و مقری به شهرها می فرستاد. اما عرب که می فهمد و نیاز به درس قرائت ندارد، هم تجوید را صحیح تکلم می کند و هم اینکه اصلاً نمی تواند اشتباه تلفظ کند. ایشان می گویند پس مقری به معنای مفسر است و خیلی ایشان افتخار می کرد که افتخار عمرش فهم همین نکته است. یک شاهد برای علامه ذکر می کنم. ابتدای تفسیر قرطبی می گوید «و ما روی عن الصحابه و التابعین من انه قرئوا بكذا و كذا فالمراد هو التفسیر»، آنچه نقل شده است که می گویند فلان صحابی این آیه را این طور قرائت کرد، یعنی تفسیر کرد.

مثلاً در سوره آل عمران فراوان روایت داریم که ائمه(ع) وقتی آیه ای که مربوط به اهل بیت(ع) باشد را قرائت می کردند. عباراتی نیز می افزودند که هرگز به معنای تحریف قرآن نبوده است، بلکه به معنای تفسیر مطرح می کردند.

طبرسی می گوید هر مسلمانی که سوره فاتحه را تلاوت کند، ثوابش به اندازه قرائت دو سوم قرآن است و پاداش دیگرش این است که گویی به هر مومنی صدقه داده است. همچنین در طریق دیگری روایت شده است، هرکس این سوره را تلاوت کند، گویی کل قرآن را خوانده است. غیر از ابی امامه از ابی بن کعب نقل کرده است که فاتحه الکتاب را پیش پیامبر(ص) تلاوت کردم، ایشان فرمود قسم به خدایی که جانم به دست او است، مثل این سوره در کتب آسمانی وجود ندارد. این سوره ام الکتاب و سبع المثانی است و بین خدا و عبدش تقسیم شده است، یعنی نیمی از آن مدح خدا و نیمی از آن نیز سوال عبد است و هرچه عبد سوال کند، خداوند اعطا می کند.

در کتاب تفسیر عیاشی آمده است که پیامبر(ص) به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: ای جابر آیا تو را به با فضیلت ترین سوره که در قرآن است رهنمون نسازم؟ گفت: من را رهنمون سازید. پیامبر(ص) سوره حمد که ام الکتاب است را به او آموزش داد و بعد فرمود آیا تو را در مورد این سوره آگاه نکنم؟ عرض کرد بله خبر بدهید. پس پیامبر(ص) فرمود این سوره شفای هر دردی است، جز درد مرگ. همچنین در روایت دیگری از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود اگر سوره حمد کسی را شفا نداد، هیچ چیزی او را شفا نمی دهد. در روایت دیگری داریم که خداوند سوره حمد را به پیامبر(ص) اختصاص داد و آن را به ایشان هدیه داد، در حالی که به هیچ یک از پیامبران پیشین فاتحه الکتاب داده نشده بود و هدیه خاص پیامبر(ص) بوده است.

شبهه این در روایات معراج است که خداوند فرمود هر مهمانی بر میزبان یک حقی دارد و به پیامبر(ص) فرمود چه چیزی دوست داری تا برایت بیاورم؟ پیامبر(ص) عرض کرد که خدایا من را به خودت اختصاص بده که بنده تو باشم. خداوند نیز این هدیه را به پیامبر(ص) داد که فرمود «سبحان الذین اسری بعبد» که پیامبر(ص) را به خودش نسبت داد.

تا اینجا مربوط به ثواب سوره بود، اما در ادامه به استعاذه می‌رسیم. صاحب مجمع می‌گوید اجماع است که باید قبل از بسم الله الرحمن الرحيم، اعوذ بالله گفته شود. ابن کثیر و عاصم و ابوعمر و از قراء هستند، گفته اند باید اعوذ بالله من الشيطان الرجيم گفته شود و نافع و ابن عامر و کسائی گفته اند باید بگوییم «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم ان الله هو السميع العليم». حمزه هم گفته است به جای آن بگویید «نسعیذ بالله من الشيطان الرجيم». ابوحاتم نیز می‌گوید «اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم».

اما استعاذه به معنای پناه بردن است و معنای آن این است که به خداوند نه غیر خدا پناه می‌بریم. شیطان نیز هر متمرّدی اعم از جن و انس و جنبدگان است. بنابراین در قرآن هم به شیاطین انس و جن اشاره شده است. کلمه رجیم صفت مشبّه به معنای مفعول است و به معنای طرد شده است. معنایش این است که خداوند امر به استعاذه از شیطان کرده است. زیرا هیچ انسانی از وسوسه شیطان تهی نیست و قرآن فرمود زمانی که خواستید قرآن بخوانید، از شیطان به خدا پناه ببرید. یعنی از شر شیطان به خدا پناه ببرید که از خیر دور است.